

جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

فرایند تجدد گرائی در افغانستان

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: تاریخ اسلام

نگارش: عبد الله زکی

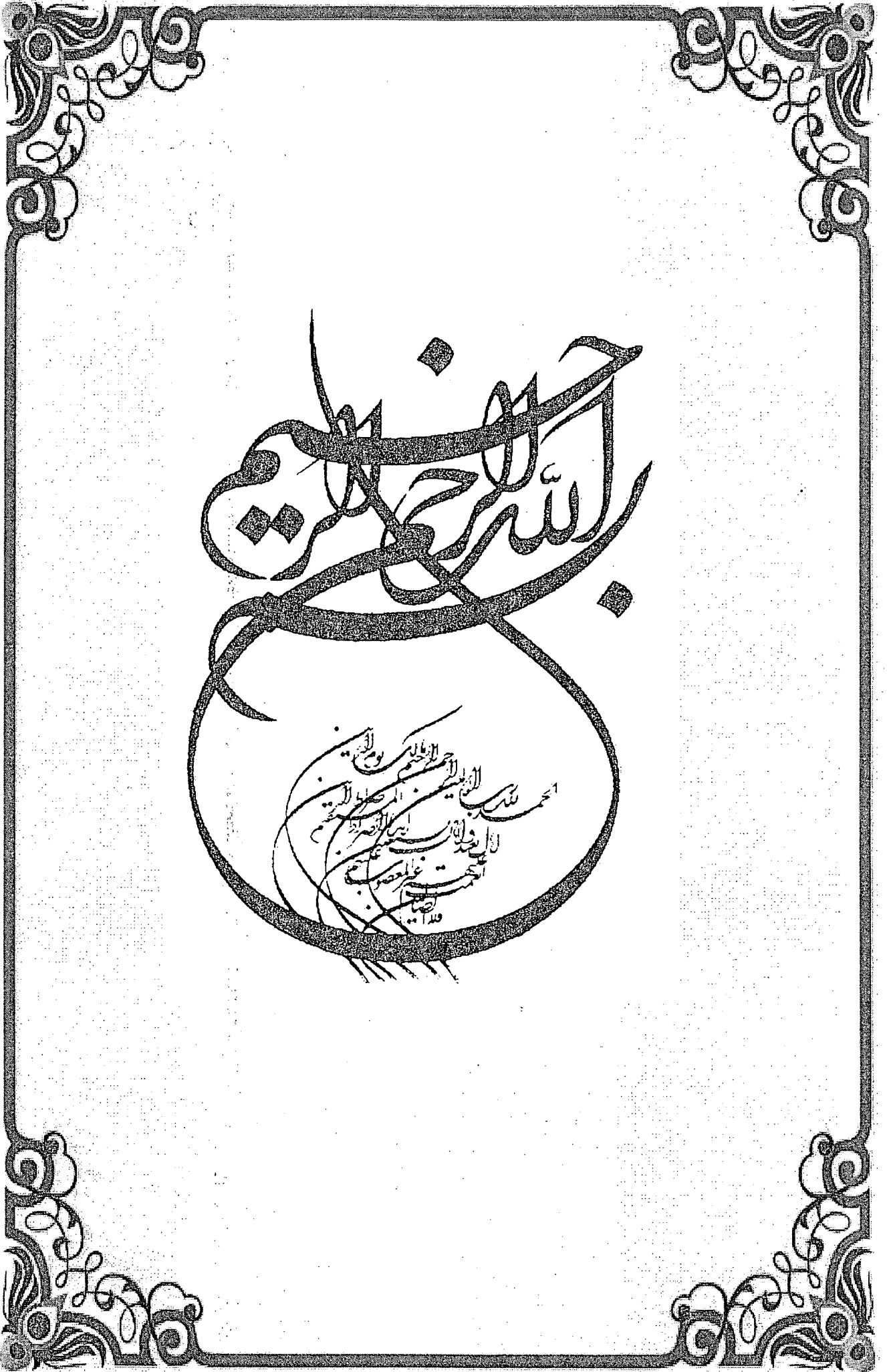
استاد راهنما: حجة الاسلام و المسلمین عبد المجید ناصری

استاد مشاور: دکتر محمد جواد صالحی

آبان ۱۳۸۶

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۳۳
تاریخ ثبت: —

- ❖ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد.
- ❖ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.



الله أكبر

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطيب الطاهر
الغفر له
وما كنا لنبرهه
ولا نبرهه

تقدیم

به مردم رنج کشیده و ستم‌دیده افغانستان که پس از سال‌ها ظلم و استبداد، هنوز به افق‌های روشن می‌اندیشند.

به تمام روشنفکران و اندیشمندی که با اندیشه و بیان شان در مسیر

آزادی خواهی، عدالت طلبی و صلح جویی قدم بر می‌دارند.

و به او که خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد

نمود.

تقدیر و تشکر

برخود لازم می‌دانم که از راهنمای‌های اندیشمندانه و دلسوزانه استادان محترم حجت‌الاسلام دکتر عبدالمجید ناصری داوودی به عنوان استاد راهنما و دکتر محمدجواد صالحی به عنوان استاد مشاور، تشکر و قدردانی کنم. بی‌شک اگر همکاری‌ها و راهنمای‌های این استادان ارجمند نبود، این رساله به ثمر نمی‌رسید.

همین‌طور از دوستانی که بنده را در تهیه منابع و نوشتن این اثر کمک کرده‌اند تقدیر و تشکر می‌شود. در پایان از مرکز جهانی علوم اسلامی و مدیریت تحصیلات تکمیلی قدردانی می‌کنم، که این فرصت تحقیقی و تجربه‌ی گرانبها را در اختیار بنده قرار داد.

چکیده

پروژه‌ی تجددخواهی و تجددطلبی در افغانستان، از زمان امیرشیرعلی‌خان و با پیشنهادات اصلاح طلبانه‌ی سیدجمال‌الدین افغانی آغاز گردیده و همچنان ادامه دارد. این موضوع، بخشی مهمی از تاریخ معاصر این کشور را تشکیل می‌دهد، که با چالش‌ها و موانع عدیده‌ی برخورد کرده و پیامدها و آثار زیادی در سرنوشت این مرز و بوم داشته است. از آنجا که سه جریان عمده ناسیونالیسم، کمونیسم و اسلام‌گرایی در این رابطه شکل گرفته، لذا تجددخواهی در این رساله نیز در قالب سه جریان فوق‌مورد بررسی قرار گرفته است. هر کدام از این سه جریان در یک فصل جداگانه و به صورت تفصیلی بحث شده است.

در فصل اول پس از بررسی مباحث اولیه، به زمینه‌های تجددگرایی در افغانستان پرداخته شده و از استعمار و امپریالیسم و عقب‌ماندگی، به عنوان زمینه‌های تجددگرایی بحث شده است. پس از آن واکنش جهان اسلام در برابر مدرنیته‌ی غربی بررسی شده و در ادامه‌ی همین موضوع، شکل‌گیری جریان‌های ناسیونالیسم، کمونیسم و اسلام‌گرایی در افغانستان، به عنوان سرآغاز و مطلع بحث اصلی، آورده شده است. شیوه بررسی این جریانات در تمام این سه فصل واحد بود و از یک روش برخوردار است. به این معنا که در ابتدا به جریان شناسی موضوع همان فصل پرداخته شده و سپس، نقش آن جریان در فرایند تجددگرایی بررسی و در ادامه نتایج و پیامدهای آن آورده شده است.

در فصل دوم نقش جریان ناسیونالیسم در تجددگرایی مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که موضوع این فصل از امارت امیرشیرعلی‌خان تا پایان جمهوری محمد داودخان را دربرمی‌گیرد، لذا دوره سلطنت و حکومت هر پادشاه به صورت جداگانه بررسی شده و شکل تاریخی آن حفظ شده است، بدون اینکه به شیوه کلی بحث آسیب رسیده باشد. در این فصل پس از جریان شناسی ناسیونالیسم و دسته‌بندی آن به دو گروه افراطی و میانه رو، به اقدامات این جریان در زمینه‌ی تجددگرایی پرداخته شده و دوره هرکدام از پادشاهان به صورت مستقل، مورد بررسی قرار گرفته است. لذا این دوره حکومت امیر شیرعلی‌خان، حبیب‌الله‌خان، امان‌الله‌خان، محمدنادرشاه، محمدظاهرشاه و جمهوری محمد داودخان را دربرمی‌گیرد.

فصل سوم به نقش جریان کمونیستی در فرایند تجددگرایی می‌پردازد. در این فصل، پس از جریان شناسی کمونیسم و دسته‌بندی آن به دو گروه طرفداران شوروی و طرفداران چین،

عملکردهای این جریان در فرایند تجددگرایی بررسی شده و در ادامه نتایج و پیامدهای آن در جامعه مورد بحث قرار گرفته است.

فصل چهارم و آخرین فصل این رساله، نقش جریان دین‌مدار/اسلام‌گرا در تجددگرایی را مورد بررسی قرار داده است. این فصل مانند فصل قبلی به جریان‌شناسی این موضوع پرداخته و جریان فوق به چهار گروه بنیادگرایان، رادیکالها، سنت‌گرایان و محافظه‌کاران دسته‌بندی شده است. سپس به بررسی عملکردهای این جریان از زاویه تجددگرایی پرداخته شده و در ادامه پیامدها و نتایج آن بررسی گردیده و در پایان این رساله، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری نهایی و پیشنهادات ارائه شده است.

فهرست مطالب

مقدمه

۱	طرح مسأله
۲	پرسش‌های آغازین
۲	پرسش اصلی
۲	پرسش‌های فرعی
۳	پیشینه تحقیق
۳	ضرورت و اهمیت موضوع
۴	واژه‌های کلیدی تحقیق
۴	فرضیه
۴	اهداف
۴	جنبه تازگی و نوآوری تحقیق
۵	روش انجام تحقیق
۵	روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۵	قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)
۵	محدودیت‌ها و موانع
۶	سازماندهی تحقیق

فصل اول: کلیات، مفاهیم و زمینه‌ها

۸	مفاهیم اساسی پژوهش
۸	Modern مدرن
۸	Modernity مدرنیته/تجدد
۱۰	Modernism مدرنیسم
۱۱	Modernization مدرنیزاسیون
۱۲	Tradition سنت
۱۳	Traditionalism سنت‌گرایی
۱۳	زمینه‌های اجتماعی، فکری و فلسفی مدرنیته
۱۴	Renaissance (از قرن ۱۴م تا قرن ۱۶)
۱۴	Reformation (قرن ۱۶م) جنبش اصلاح دینی

۱۵ جنبش روشن اندیشی Enlightenment (اواخر قرن ۱۷ و قرن ۱۸)
۱۶ انقلاب صنعتی Industrial revolution (۱۷۵۰-۱۸۰۰)
۱۷ اصول و مؤلفه‌های مدرنیته/ تجدد
۱۷ ۱- علم‌گرایی
۱۸ ۲- تکنولوژی (فن آوری)
۱۸ ۳- تولید صنعتی (تبلور مادر و عینی فناوری)
۱۸ ۴- بالا رفتن سطح زندگی مادی و رفاه
۱۸ ۵- انسان‌گرایی
۱۹ ۶- فردگرایی
۱۹ ۷- عقل‌گرایی
۲۰ ۸- لیبرال دموکراسی
۲۰ ۹- نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد
۲۰ ۱۰- سنت ستیزی
۲۰ ۱۱- سکولاریسم/ عرفی‌گرایی
۲۱ زمینه‌های تجددگرایی در افغانستان
۲۱ استعمار و امپریالیسم
۲۲ عقب ماندگی
۲۳ ۱- استبداد
۲۴ ۲. جهل‌پروری و عدم توجه به علم و فرهنگ
۲۵ ۳. تبعیض قومی و مذهبی
۲۶ ۴. انزوای سیاسی و بین‌المللی
۲۷ جریان آشنایی افغانها با مدرنیته‌ی غربی
۳۱ واکنش جهان اسلام و افغانها در قبال مدرنیته‌ی غرب
۳۲ ۱- جریان غربگرایان و پیروان تمدن غرب
۳۲ ۲- جریان مخالف تمدن غربی
۳۳ ۳- جریان اصلاح‌طلبی دینی
۳۴ الف- جریان ناسیونالیسم قومی

۳۵ ب- جریان کمونیستی

۳۵ ج- جریان دینی

فصل دوم: نقش جریان ناسیونالیسم در تجددگرایی در افغانستان

۳۷ مقدمه

۳۷ مفهوم شناسی

۳۷ ملت Nation

۳۹ ملی‌گرایی Nationalism

۴۰ اصطلاحات هم خانواده

۴۰ وطن‌دوستی

۴۱ قوم‌گرایی

۴۱ نژادپرستی

۴۲ سیر تاریخی ناسیونالیسم در غرب

۴۴ سنخ‌شناسی ناسیونالیسم

۴۴ ناسیونالیسم لیبرال

۴۴ ناسیونالیسم محافظه‌کار

۴۴ ناسیونالیسم توسعه‌طلب

۴۵ ناسیونالیسم جهان‌سومی (ضد استعماری)

۴۵ جریان‌شناسی ناسیونالیسم در افغانستان

۵۳ گستره‌ی تجدد

۵۳ امیرشیرعلی خان

۵۵ بعد سیاسی

۵۵ تشکیل کابینه

۵۵ تشکیل نیروی نظامی منظم

۵۶ ایجاد خدمات پستی و مخابرات

۵۶ بعد فرهنگی- اجتماعی

۵۶ ایجاد مدرسه

۵۶ تأسیس نشریه

۵۷ بعد اقتصادی
۵۸ نتایج و پیامدها
۵۹ امیر عبدالرحمن خان
۶۰ حبیب الله خان
۶۱ بعد سیاسی - فرهنگی
۶۱ سراج الاخبار
۶۱ سراج الاخبار الافغانیه
۶۳ مدرسه حبیبه
۶۴ تألیف کتاب سراج التواریخ
۶۴ مشروطیت اول
۶۷ امان الله خان
۶۷ بعد سیاسی
۶۷ مشروطیت دوم
۶۸ کسب استقلال
۶۹ تصویب قانون اساسی
۷۰ تفکیک قوا
۷۱ بعد اجتماعی - فرهنگی
۷۱ توسعه آموزش و پرورش
۷۳ نشریات دولتی
۷۳ نشریات خصوصی
۷۳ بعد اقتصادی
۷۴ نتایج و پیامدها
۷۵ محمد نادر شاه
۷۵ بعد فرهنگی
۷۵ تشکیل وزارت معارف و بازگشایی مدارس پسرانه
۷۶ تشکیل انجمن ادبی و تأسیس نشریات دولتی
۷۶ بعد سیاسی

۷۶	احیاء اداره دولت به سبک مدرن و به شکل دوره امان‌الله‌خان
۷۶	دایر نمودن لویه جرگه و تصویب قانون اساسی جدید
۷۷	بعد اقتصادی
۷۷	تأسیس شرکت سهامی
۷۷	ایجاد جاده کابل به سمت شمال
۷۷	نتایج و پیامدها
۷۸	سلطنت محمدظاهرشاه
۷۸	دوره اول: سلطه خانواده
۷۹	بعد فرهنگی
۷۹	اقدامات شاه محمودخان در بعد فرهنگی
۷۹	آزادی بیان و مطبوعات
۷۹	بازگشایی مدارس دخترانه
۸۱	پایان یافتن سلطه انحصاری زبان پشتو
۸۰	بعد سیاسی
۸۱	اقدامات شاه محمودخان در بعد سیاسی
۸۲	آزادی زندانیان سیاسی
۸۲	برگزاری انتخابات شهرداری‌ها و پارلمان
۸۴	تشکیل احزاب سیاسی
۸۴	حزب ویش زلمیان
۸۵	حزب دموکراتیک ملی (کلوب ملی)
۸۵	حزب وطن
۸۶	حزب خلق
۸۷	حزب سرری اتحادارشاد
۸۹	اتحادیه محصلین
۹۱	بعد اقتصادی
۹۱	تأسیس بانک ملی
۹۱	تقویت کشاورزی شمال

۹۲	پلانیهای اقتصادی
۹۲	نوسازی در ارتش
۹۳	نتایج و پیامدها
۹۴	دوره دوم: سلطنت مستقیم
۹۴	بعد فرهنگی
۹۴	افزایش مدارس دولتی
۹۵	گسترش مطبوعات آزاد
۹۷	بعد سیاسی
۹۷	تدوین و انفاذ قانون اساسی
۹۸	انتخابات پارلمان
۹۹	احزاب سیاسی
۱۰۰	بعد اقتصادی
۱۰۱	نتایج و پیامدها
۱۰۴	جمهوری محمد داود خان
۱۰۵	بعد فرهنگی
۱۰۶	بعد سیاسی
۱۰۷	بعد اقتصادی
۱۰۸	نتایج و پیامدها

فصل سوم: نقش جریان کمونیسم در تجددگرایی در افغانستان

۱۱۳	مقدمه
۱۱۳	مفهوم شناسی
۱۱۳	سوسیالیسم
۱۱۴	کمونیسم
۱۱۴	سیر تاریخی سوسیالیسم و کمونیسم
۱۱۸	انواع سوسیالیسم
۱۱۸	سوسیالیسم تخیلی
۱۱۹	سوسیالیسم انقلابی

۱۱۹ سوسیالیسم اصلاح طلب / تکاملی
۱۲۰ سوسیالیسم اخلاقی
۱۲۱ جریان شناسی کمونیسم در افغانستان
۱۲۱ حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۱۲۵ سازمان انقلابی زحمت کشان افغانستان (ستم ملی)
۱۲۶ حزب دموکراتیک نوین (شعله جاوید)
۱۲۶ گستره‌ی تجدد
۱۲۶ بعد اقتصادی
۱۲۷ اصلاحات ارضی
۱۳۱ لغو مهریه و شیر بهاء
۱۳۲ بعد فرهنگی
۱۳۲ سوادآموزی (دوره اول و دوم)
۱۳۳ بعد سیاسی
۱۳۳ سیاست داخلی
۱۳۶ سیاست خارجی
۱۳۸ نتایج و پیامدهای اصلاحات در دوره رژیم کمونیستی
۱۳۸ اصلاحات ارضی
۱۳۹ عوامل شکست اصلاحات ارضی
۱۳۹ - عامل دینی
۱۳۹ - عدم بررسی نظام دهقانی
۱۴۰ - نحوه اجرای اصلاحات ارضی
۱۴۲ لغو مهریه، شیربهاء و تساوی زن و مرد در حقوق
۱۴۳ برنامه سوادآموزی
۱۴۴ سیاست داخلی رژیم
۱۴۶ سیاست خارجی رژیم
	فصل چهارم: نقش جریان دین‌مدار / اسلام‌گرا در تجددگرایی در افغانستان
۱۴۹ مقدمه

۱۴۹ مفهوم شناسی
۱۴۹ اسلام‌گرایی
۱۵۰ سیر تاریخی جریان‌های دین‌مدار
۱۵۳ گروه‌های شیعی
۱۵۴ جریان‌شناسی گروه‌های اسلام‌گرا در افغانستان
۱۵۵ بنیادگرایی و احزاب بنیادگرا
۱۵۷ رادیکالیسم و احزاب رادیکال
۱۵۹ سنت‌گرایی و احزاب سنت‌گرا
۱۶۱ محافظه‌کاری و احزاب محافظ‌کار
۱۶۳ گستره‌ی تجدد
۱۶۳ سیاسی - فرهنگی و اجتماعی
۱۶۳ ۱- تشکیل نهضت جوانان اسلامی افغانستان
۱۶۴ شخصیت‌ها
۱۶۴ ماهیت و منابع فکری نهضت
۱۶۴ اهداف
۱۶۵ فعالیت‌ها
۱۶۷ ۲- عرضه اسلام سیاسی (ایدئولوژی اسلامی)
۱۶۸ ۳- عدم مخالفت با بسیاری از مظاهر تمدن جدید
۱۶۸ ۴- تشکیل دولت جمهوری اسلامی افغانستان
۱۶۹ نتایج و پیامدها
۱۶۹ تشکیل نهضت جوانان مسلمان
۱۷۱ عدم مخالفت با مظاهر تمدن جدید
۱۷۱ عرضه اسلام سیاسی
۱۷۲ تشکیل حکومت اسلامی
۱۷۲ عوامل شکست حکومت مجاهدین
۱۷۲ ۱. سیاست پشتونیزم و پشتون‌گرایی
۱۷۳ ۲. دخالت‌های پاکستان

۱۷۵	۳. سیاست‌های آمریکا
۱۷۶	۴. عربستان سعودی
۱۷۸	۵. تفرقه و اختلافات قومی و مذهبی
۱۸۰	خاتمه: نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۸۵	منابع

مقدمه

طرح مسأله

تجددگرایی و مدرنیسم ایدئولوژی و جهان بینی انسان متجدد (انسان پس از رنسانس) است، که در پی گسترش تجدد و مدرنیته‌ی غربی است. این پدیده که به معنای نگاه جدید به انسان و جهان است، پس از رنسانس در غرب آغاز گردید و تمام ابعاد زندگی انسان غربی را دربرگرفت. مهم‌ترین شاخصه‌های آن عبارتند از: انسان محوری، سکولاریسم، سرمایه‌داری، دموکراسی لیبرال، فردگرایی و عقل‌گرایی. ایدئولوژی جدید توانست پیشرفتهای زیادی را در حوزه سیاسی و اقتصادی ایجاد نموده و تمدن نوینی را پی ریزی کند، تمدنی که انقلاب صنعتی از اجزاء اساسی آن به شمار می‌رود. در اثر انقلاب صنعتی در غرب و نیازهای روز افزون آنها به مواد خام طبیعی، پای استعمار به شرق کشیده شد. تهاجم غربیان و گسترش ایدئولوژی جدید، باعث شد که اندیشمندان شرقی به فکر چاره افتاده و به راهایی ره‌ای از این بن بست بیاندیشند.

این چاره اندیشی و واکنش، به خصوص در جهان اسلام، در برابر فرهنگ و تمدن جدید غربی که دورویه علم و صنعت و استعمار و سلطه جویی را باخود داشت، واحد نبوده بلکه گروه‌بندی‌های جدیدی به وجود آورده است. عده‌ی آن را به دیده مثبت نگریسته و به دفاع از آن پرداختند. این جریان که بخشی از سیاستمداران و روشنفکران جدید را تشکیل می‌دادند، پیروی و تقلید از فرهنگ و تمدن غربیان را تنها راه نجات و موجب توسعه، ترقی و تعالی جامعه اسلامی می‌شمردند. برخی دیگر تجددخواهی را مخالف دستورات اسلامی و پدیده‌ی منحوس به شمار آورده و در ابعاد مختلف فکری و عملی به مقابله با آن برخاسته‌اند. اینها راه نجات جامعه اسلامی را در بازگشت به اسلام راستین و اسلام اولیه دانسته و از هر گونه تجدید نظر طلبی و اجتهاد در فهم آموزه‌های دینی و انعطاف پذیری در برابر اندیشه‌های نوین غربی، دوری جسته‌اند. در این میان برخی دیگر راه وسط را در پیش گرفته که هم از تجدد توشه‌ی برگیرند و هم به دستورات اسلامی پایبند باشند. به نظر این گروه اسلام اصیل هیچ گونه تعارضی با علوم و فنون مادی و توسعه مدنی ندارد. بلکه اسلام در دوره خود مروج علم فرهنگ و تقویت کننده مبانی تمدن بوده است. این جریان، تمدن غربی را یکسره نفی نکرده بلکه اخذ جنبه‌های مفید و مثبت آن از جمله پدیده‌های جدید علمی، صنعت و تکنولوژی آن را جایز می‌دانند.

افغانستان، به عنوان بخشی از دنیای اسلام، از این واکنشها استثنا نبوده است، اما تجددگرایی در

در این کشور با فراز و فرودهای خاصی همراه بوده است، که به عنوان تاریخ ویژه و منحصر به فرد برای آن می‌توان به حساب آورد. این حرکت در افغانستان از طبقه حاکم آغاز گردیده و باتوجه به نیازها، سلیقه‌ها و ضروریات این طبقه رقم خورده است. سهم روشنفکران، علما، متفکرین آزادی خواهان نیز در این فرایند بسیار برجسته است، اما ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد و فراگیر شدن تجدد و یا مانع بر سر راه آن، به دست حاکمان بوده است. لذا این فرایند که از زمان امیر شیرعلی خان آغاز می‌شود، با حملات انگلیس دچار رکود و توقف می‌گردد. پس از او استبداد مطلقه عبدالرحمن خان اجازه هیچ گونه تجددطلبی را نداده و مانع هرگونه آزادی خواهی می‌شود. آغاز دوباره آن در دوره سلطنت حبیب‌الله خان امید بیشتری را در میان مشروطه خواهان ایجاد کرد، اما سلطنت مطلقه امیر و روحیه‌ی سلطه جویانه او، مسیر پیشرفت و توسعه‌ی این حرکت نوگرایانه را سد کرد. با روی کار آمدن امان‌الله (شاهزاده نوگرا) جریان اصلاح طلبی وارد مرحله‌ی جدیدی گردید، که در آن هر دو طبقه حاکم و روشنفکر در خط تجددخواهی قرار گرفتند اما این بار نظام قبیله‌ی با واکنش مذهبی گلوی نوگرایی و تجددخواهی را درهم فشرد و با رفتن امان‌الله خان بار دیگر این حرکت نوبنیاد، دچار رکود و توقف گردید. این فراز و نشیب همچنان ادامه دارد و هنوز این حرکت نوگرایانه در جامعه نهادینه نشده است.

این تحقیق در نظر دارد ضمن بحث از فرایند تجددگرایی، به علل و عوامل دخیل در این پدیده پرداخته و چالش‌های فراروی آن را بررسی کند. زیرا تجددخواهی در افغانستان، قسمتی مهمی از تاریخ معاصر این کشور را تشکیل داده که تأثیرات آن در تحولات آتی آن چشمگیر بوده است. پرداختن به این موضوع، علاوه بر روشن شدن قسمتی از تاریخ این کشور، می‌تواند راهکار مهمی جهت تصمیم‌گیری در آینده باشد.

پرسش‌های آغازین

پرسش‌های این تحقیق را می‌توان به دو بخش پرسش اصلی و پرسشهای فرعی تقسیم نمود.

پرسش اصلی

تجددگرایی در افغانستان چه فرایندی را پیموده است؟

پرسش‌های فرعی

۱. مفاهیم اصول و مؤلفه‌های تجددگرایی کدام‌اند؟

۲. زمینه‌ها و ریشه‌ها و عوامل تجددگرایی در افغانستان چه بوده است؟

۳. جریان ناسیونالیسم در تجددگرایی چه نقشی داشته است؟
۴. نقش جریان چپ (کمونیستی) در تجددگرایی افغانستان چه بوده است؟
۵. جریان‌های دین مدار در تجددگرایی چه نقشی داشته‌اند؟
۶. چه چالش‌های فراروی تجددگرایی واقع گردیده است؟

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقات راجع به این مورد را می‌توان در دو گزینه جای داد:

الف: تحقیقات عام

تجددگرایی که معادل لفظ لاتینی مدرنیسم است یکی از موضوعات پرطرفدار و جنجال برانگیزی است که راجع به آن تحقیقات زیادی انجام گرفته است. علاوه بر نویسندگان غربی، نویسندگان شرقی نیز به مقتضای مکان و زمان شان در طرفداری، نقد و مهمتر از همه آنچه مربوط به حوزه این تحقیق مربوط است یعنی فرایند تجددگرایی تحقیقات زیادی را انجام داده‌اند که می‌توان از آنها به عنوان منبع به خصوص در قسمت نظری در روند انجام تحقیق استفاده برد.

ب: تحقیقات مرتبط با موضوع مورد پژوهش

هنوز تحقیق و پژوهش آکادمیک و علمی که در عین حال زوایای تاریک این مسأله را پوشش دهد صورت نگرفته است یا نگارنده از آن بی اطلاع است. اما تحقیقات مختصر در حد مقاله‌های چند صفحه‌ای و یا اشاراتی را در لابه‌لای برخی از کتاب‌های که راجع به افغانستان نوشته شده است می‌توان جستجو نمود. اما از آنجا که این منابع تاریخی طبق شیوه تاریخی نوشته شده لذا کمتر به شاخصه‌ها و مولفه‌های که ما در این تحقیق دنبال آن هستیم پرداخته است. لذا این موضوع مانند سایر موضوعات راجع به افغانستان دست نخورده و بکر باقی مانده است.

ضرورت و اهمیت موضوع

علاوه بر جنبه نو و تازه بودن این موضوع، جنبه تأثیرگذاری آن است. تجددگرایی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های کشورهای جهان سوم را به خود اختصاص داده است. این فرایند که سالها قبل شروع شده است و بدون وقفه یا با وقفه مختصر به پیش می‌رود، اما چگونه است که نتایج آن در چشم دیده نمی‌شود و یا کمتر مشهود است. دولت و ملت دم از تجددگرایی می‌زنند، همگی خود را منادی این صدا

می‌دانند؛ اما آن سوی این پدیده ناپیدا است. جا دارد تا آنجا که در توان است، جنبه‌های مختلف این موضوع مورد کنکاش واقع گردد. تا علل و عوامل دست اندکار، پیامدها و نتایج و بالاخره چالش‌های که فراروی این پدیده بوده است روشن گردد، تا باشد که قدمی هرچند اندک در راه رهایی از این مشکل برداشته گردد.

واژه‌های کلیدی تحقیق

در این تحقیق واژه‌های مهم و کلیدی عبارتند از:

مدرنیته (Modernity)، مدرنیسم (Modernism)، ناسیونالیسم (Nationalism)، کمونیسم (Communism)، اسلام‌گرایی (Islamism)، سنت‌گرایی، (Traditionalism) افغانستان (Afghanistan).

فرضیه

فرایند تجددخواهی در افغانستان همواره با تعارض و کشمکش با ارزشهای فرهنگی، شرایط اقتصادی و سیاسی بوده است و تاکنون نتوانسته مسیر خود را هماهنگ با ارزشهای جامعه پیدا نماید.

اهداف

تجربه تجددخواهی در افغانستان به عنوان یک کشور اسلامی و متشکل از اقوام و مذاهب مختلف همراه با حوادث و تحولاتی بوده است که بررسی و پژوهش آن بسیاری از زوایای تاریک رویدادهای گذشته و ریشه‌های معضلات کنونی را می‌شناساند. بنابراین در نظر داریم که در این پژوهش به اهداف ذیل دست یابیم:

۱. درک درست از تحولات اجتماعی و سیاسی افغانستان در صد و پنجاه سال اخیر.
۲. درک واقعی و صحیح از ریشه‌ها و عوامل دخیل در تجددگرایی.
۳. ارزیابی واقع بینانه از نیروهای موجود.
۴. راهکار برای اعمال پروسه تجددگرایی مطابق با شرایط و امکانات بومی.

جنبه تازگی و نوآوری تحقیق

هنوز تحقیق و پژوهشی سازمان یافته و منسجم راجع به این موضوع وجود ندارد. همان گونه که در قسمت ضرورت انجام تحقیق بیان گردید، تحقیقی که لااقل بتواند برخی از ابعاد هرچند آشکار این